دیگر کسی حق باختن ندارد ۲۴

کین مربی ساندرلند ۲۴

ستاره‌های NBA و ماشین گل‌زنی ژرمن‌ها ۲۵

صادقی بعید است به بازی برسم .. ۲۶

عکس: فرهاد کاوه شرق

دقیقه صفر

احتیاط شرط عقل

تیم ملی ایران امروز به کره جنوبی رفت، در شرایطی که گمانه‌زنی های فراوانی درباره نتیجه گرفتن این تیم وجود داشت. اما یکی از مهم‌ترین سئوال‌هایی که بین فوتبالی ها دهان به دهان می شد، این بود که ما در این بازی چگونه باید بازی کنیم. باید به دنبال فوتبال بازی کردن باشیم، یا به دنبال نتیجه گرفتن. باید به جوانان میدان بدهیم یا با باتجربه‌هایمان بازی کنیم. همه اینها سئوالاتی بود که برای مربیان تیم ملی و البته دوستداران این تیم وجود داشت. البته نکته امیدوارکننده این بود که مربیان تیم ملی با بازبینی شرایط نتیجه گرفته بودند باید از کره جنوبی با امتیاز به تهران بازگردند، چرا که شکست مقابل کره، تیم ملی را در وضعیتی قرار می دهد که هر نتیجه‌ای را در سوریه ممکن می کند. اما برای امتیاز گرفتن از کره‌ای ها چه باید بکنیم.

یکم- باتجربه‌ها یا جوانان؟ این یک سئوال مهم است؛ می‌دانیم که برای حضور موفقیت‌آمیز در جام‌جهانی ۲۰۱۰ باید از حالا به یک جوانگرایی هدفمند دست بزنیم اما این را هم می‌دانیم که نباید این جوانگرایی به حذف تیم ملی از جام‌ملت‌های آسیا بینجامد. چرا که آن تورنمنتی است برای پرورش جوانان و آماده‌کردن آنها برای رقابت‌های سخت جهانی. با این وصف، در بازی مقابل کره باید با باتجربه‌ترین عناصر تیم بازی کنیم. البته این خبر نگران‌کننده‌ای است که بعضی از باتجربه‌های تیم نمی‌توانند خودشان را به آمادگی لازم برسانند، اما مربیان تیم ملی نباید از بازیکنان باتجربه‌ای چون میرزاپور و کعبی به راحتی عبور کنند. درست است که ترس برادر مرگ است، اما احتیاط هم شرط عقل است و تیم ملی باید در بازی شنبه با احتیاط عمل کند.

دوم- بازی هجومی یا بازی دفاعی؟ این هم سئوال مهمی است؛ اینکه استراتژی بازی ما مقابل کره جنوبی چگونه باید باشد. برای این که بدانیم مقابل کره چگونه بازی کنیم، بهتر است بازی‌های ایران و کره‌جنوبی را در سال‌های گذشته بازبینی کنیم و ببینیم وقتی مقابل آنها به برتری رسیدیم چگونه بازی کرده‌ایم.

ادامه در صفحه ۲۶

سعید فائقی قبل از محرومیت احتمالی از سوی فیفا:

این اساسنامه باید تایید شود

گروه ورزش، آرش راهبر، صدرا مهرابی: می شود باور کرد که هنوز هم ذره‌ای از احساس دوستانه و محبت‌آمیز سعید فائقی با ورزش و ورزشکاران فروکش نکرده است. با آنکه او چند سالی است که از ساختمان عریض و طویل ورزش بیرون آمده و مدتی را در پست گذرانده و فعلاً هم دغدغه اصلی گسترش حمل و نقل ریلی است اما هنوز هم بسیاری از ورزشکاران سر زده به دفتر او در طبقه هشتم ساختمان می روند و با استقبال گرم او مواجه می شوند. سعید فائقی هرازگاهی حرف های جالبی از دوران صدارتش در ورزش می زند و از خاطراتی می گوید که معمولاً اقدامی برای ثبت آن نمی شود. با او درباره شکل گیری سیستم انتخابات در ریاست فدراسیون‌ها صحبت کردیم. طرحی که عاقبت خوش آن هنوز هم آرزوی قلبی فائقی و همقطارانش است.

■■■

■ برای شروع شاید بهتر باشد، از اولین دوره‌ای که قرار شد انتخاب رئیس فدراسیون به صورت رای گیری انجام شود، صحبت کنیم. یعنی دوره‌ای که از حالت انتصابی خارج و انتخابی شد.

دقیقاً از سال ۷۳ و موضوع از اینجا شروع شد که ما فدراسیون‌هایی داشتیم که هرکدام براساس نیازهایی به وجود آمده بودند. به‌طور مثال ما می خواستیم در المپیک ۱۹۴۸ لندن حضور پیدا کنیم. پس مجبور بودیم که فدراسیون تاسیس کنیم که قبل از آن نداشتیم. بعد که فدراسیون به‌وجود آمد، مشکل ساختار آنها بود که ساختار درستی نداشتند. پس ماجرا از اینجا شروع شد که باید ساختار فدراسیون‌ها را اصلاح می کردیم تا آنها دارای شخصیت حقوقی مستقل باشند. آن موقع کلی بررسی کردیم تا ببینیم داستان فدراسیون‌ها به کدام یک از سازماندهی های کشوری می خورد و دیدیم که با توجه به کمک‌هایی که از دولت می گیرند، یک موسسه عمومی غیردولتی بهترین شکلی است که می توان به فدراسیون‌ها داد تا هم بودجه‌اش را از دولت بگیرد و هم ماهیتی مستقل پیدا کند.

■ یعنی در قالب شرکت‌های غیردولتی؟

بله. اما از یک طرف نکته مهمتری هم وجود داشت. فدراسیون‌ها یک نظام‌مندی جهانی هم دارند. که در حقیقت یک نهاد مدنی بین‌المللی هستند. حالا در دنیا جهانی‌سازی تازه شروع شده، ولی در ورزش جهانی‌سازی از اول وجود داشته یعنی از همان زمانی که المپیک شروع شد. پس دیدیم که به لحاظ جهانی دخالت دولت به حداقل می‌رسد و از سوی دیگر ریشه مردمی دارد. ولی ما در شرایطی بودیم که توزیع ورزش ما همگون در همه‌جا و در همه فدراسیون‌ها نیست. یعنی بعضی موقعیت بهتری دارند، بعضی با اقبال بیشتری مواجه می شوند. پس چاره‌ای نبود جز اینکه یک راه بینابین انتخاب کنیم یعنی این را از پایین به بالا شروع کنیم و به همین دلیل سراغ هیات‌ها رفتیم. به این صورت که از شهرستان به استان و از آنجا به فدراسیون برسیم البته این نکته در قانون سازمان ماده ۱۶ هم دیده شده بود، بدین صورت که بر اساس موقعیت‌ها می توان ورزش را شورایی کرد ولی این وسط ما فاقد سندیکاهای مرتبط مثل کانون پیشکسوتان، داوران و مربیان بودیم. پس فکر کردیم که اینها را هم به تدریج به‌وجود بیاوریم.

■ یعنی ظرفیت‌اش پیش بینی شده بود؟

از اول نه، اما سعی کردیم به تدریج اتحادیه‌ها و نهادهای مورد نیاز شکل گیرد. البته یک حالت گذر داشتیم از حالت صد درصد دولتی به یک حالت رهاشده و آزاد. پس باید وقتی اساسنامه فدراسیون‌ها را می نوشتیم فدراسیون جهانی مربوطه آن را تایید می کرد و ایرادات ما به حداقل می‌رسید و آنها هم قبول می کردند که کشور ما در حالت گذر از دولتی به خصوصی است و مجمع هم مجمعی باشد که آنها قبول دارند. یادم هست آن‌زمان در انتخابات یک فدراسیون، ما روی یک آدم خاص نظر داشتیم. ولی ما نمی توانستیم نظرمان را القا کنیم. حتی یک‌بار انتخابات به هم خورد و بار دوم ناچار شدیم که صلاحیت او را زیر سئوال ببریم وگرنه اگر همان آدم به مجمع می‌آمد رای می‌آورد و نفر مورد نظر ما رئیس نمی شد.

■ ولی نقش هیات‌ها بیشتر بود و همیشه این شائبه وجود داشت که نظر، نظر هیات‌ها است.

آنها هم کم‌کم تشکل سازی می کردند و درون خودشان فراکسیون‌های مختلفی تشکیل می‌دادند و اتفاقات جالبی می‌افتاد. مثلاً یک‌بار در انتخابات فدراسیون فوتبال از سوی اتحادیه باشگاه‌ها تحت فشار قرار گرفتیم. ولی ما گفتیم شما که اتحادیه باشگاه‌ها نیستید. شما اتحادیه مدیران باشگاه‌ها هستید ولی ما دنبال نماینده خود باشگاه‌ها هستیم. خلاصه ما در برابر فشار آنها تسلیم شدیم.

■ از سوی آقای آقامحمدی؟

نه، آن روز خاص اتحادیه آقای عابدینی و ملاحی را معرفی کرد تا حق رای داشته باشند.

■ کدام انتخابات بود؟

دوره دومی که صفایی فراهانی رئیس شد. بعد موقع رای دادن من دیدم که آقای عابدینی به صفایی رای داد و من تعجب کردم و از آقای عابدینی پرسیدم این همه که ما با هم جنگ کردیم شما هم که همان نظر ما را داشتید و آقای عابدینی گفت که ما فقط می‌خواستیم حق رای داشته باشیم و نظرمان را بگوییم. آن موقع هم در اوج مسابقات مقدماتی جام‌جهانی بودیم تا رفتنمان قطعی شود و به ما گفتند به همین دلیل هم ما دوست نداشتیم در آن شرایط حساس آدم دیگری بیاید تا مدیریت تثبیت شود.

■ اول فکر می کردید آنها به چه کسی رای می‌دهند؟

خب به طرف مقابل. آقای پهلوان. اصلاً آقای پهلوان کاندیدای رسمی آنها اعلام شده بود ولی بعد گفتند ما اگر مبارزه کردیم، به این خاطر بود که انتخابات داغ شود.

■ نکته جالب اینجاست که شما هم با آقای صفایی درگیری داشتید ولی نهایتاً شما می‌پذیرفتید که چون ایشان رئیس انتخابی فوتبال است، شما هم یک جاهایی به نفعش کنار بروید.

نگاه کنید، بالاترین مرجع یک رشته ورزشی، همان فدراسیون است. سازمان یک حالت نظارتی- حمایتی دارد و نباید دخالت کند. اما این را هم قبول کنید که ما در حال تمرین کردن بودیم. یک زمانی بود که ما از بالا یک نفر را می گذاشتیم، می گفتیم این بشود رئیس. اما این یک تجربه جدید بود و ما به این نتیجه کم‌کم می‌رسیدیم که وقتی چهل و سه نفر یک تصمیمی می گیرند حتماً بهتر از تصمیمی است که یکی دو نفر بگیرد. در اکثر انتخابات هم رئیس مجمع من بودم و انصافاً می گویم خیلی به‌ندرت می شد که روی رای آقایان اثر بگذاریم. حالا فوتبال که ویژه است. کسی اصلاً حرف گوش نمی کرد. مثلاً آقای آیت‌اللهی رئیس هیات فوتبال شیراز با اینکه کارمند سازمان بود، تعصب خاص خود را داشت و ما نمی توانستیم به او بگوییم نظر ما این است.

■ استان‌های کوچک‌تر چطور؟

خب، آنها با هیات‌های اطراف خودشان در ارتباط بودند و بیشتر از اینکه مثلاً رئیس هیات ایلام به من نزدیک باشد، به استان‌های همجوار خود نزدیک بود.

■ اما همیشه این شائبه‌ها وجود داشت.

نگاه کنید ما عزل را از دست رئیس سازمان گرفته بودیم و یک حالت استیضاح مانندی وجود داشت و اگر قرار بود رئیس فدراسیون برود حدود ۱۵ نفر از اعضای مجمع باید با هم جمع می‌شدند، امضا می گرفتند تا رئیس فدراسیون بماند یا برود. پس وقتی رئیس سازمان به این اعتقاد رسید، معنی‌اش این است که نمی‌خواهد آن ۹ نفر نماینده‌اش را از دست بدهد. چون آنها نیز ابزاری هستند در دست رئیس سازمان.

■ درباره تغییر در اساسنامه هم توضیح می‌دهید.

من فکر می کنم هنوز فدراسیون‌های ما نخواستند مسئله به‌وجود بیاورند و این را انعکاس جهانی بدهند. یعنی این تغییرات اساسنامه را نبردند به مافوق‌شان نشان دهند.

■ یعنی در مورد همه فدراسیون‌ها؟

بله، می‌دانند اگر برود وتو می‌شود. چون اگر کنفدراسیون آسیا و جهانی بداند که رئیس سازمان می‌تواند رئیس فدراسیون را عزل کند، این را قبول نمی‌کنند. چون باز هم می‌شود همان دخالت دولت.

■ چند روز قبل هم خبری بود مبنی بر اینکه فیفا می خواهد اساسنامه فدراسیون فوتبال نیجریه را بررسی کند.

اساسنامه ما هم بررسی شده، اما نه الان. آن موقع اساسنامه ما بررسی شد و تاییدیه گرفت.

■ یعنی اساسنامه جدید برای بررسی به فیفا نرفته؟

نه، مطمئن باشید نرفته. ما می‌دانستیم که عزل فدراسیون اگر از طریق اعضای مجمع باشد، چون حالت دموکراتیک دارد، آنها قبول می کردند. اما اگر عزل توسط نماینده دولت باشد، قطعاً آنها تایید نمی‌کنند. اگر در اساسنامه ما نوشته شده باشد که رئیس سازمان می‌تواند رئیس فدراسیون فوتبال را عزل کند و فیفا این را قبول می کرد، الان به ما ایراد نمی گرفتند.

■ و حالا هم استرسی وجود نداشت...

هیچ ترسی وجود نداشت. آن موقع نبردیم تایید کنند و البته اگر هم می‌بردیم، تایید نمی‌شد.

■ پس اینکه می گویند طبق اساسنامه ما، فیفا به ما ایراد نمی گیرد، درست نیست.

اگر این تغییراتی که به وجود آمده، تاییدیه فیفا را گرفته باشد، مشکلی نیست. اما شما مطمئن باشید که فیفا این را قبول نمی کند. و می گوید که چرا و مجمع برای چیست؟ از آن گذشته فیفا می گوید فدراسیون‌ها به دولت‌ها وابسته نباشند. اگر رئیس سازمان بتواند رئیس فدراسیون فوتبال را عزل کند که باز هم وابسته به دولت محسوب می‌شود. یک مدتی آقای غفوری‌فرد می‌خواست آقای هاشمی‌طبا رئیس کمیته ملی المپیک وقت را عزل کند. که حتی ماجرا به دخالت آقای هاشمی‌رفسنجانی توأم شد و رئیس جمهور کتباً نوشت که آقای هاشمی شما لطفاً نباشید.

■ که استعفا بدهد؟

بله، یعنی آقای هاشمی‌طبا حرف بزرگ‌تر را قبول کند و استعفا بدهد. زمان خود ما آقای محلوجی بود و با آقای هاشمی اختلاف‌نظر داشت. اما چهار سال مدارا کردیم.

■ و بعد آقای محلوجی رفت؟

نه ایشان هم کاندیدا بودند. آقای هاشمی‌طبا هم کاندیدا بود. و به رای گذاشته شد. حالا خدا ما را ببخشد و آقای محلوجی هم از گناهان ما بگذرد. بالاخره آن زمان یک دخالت‌هایی شده. البته رفتم پیش آقای محلوجی و حلالیت طلبیدم.

■ بدین ترتیب می‌توان گفت که سیستم نظارتی که سازمان برای خودش متصور است، سیستم درستی نیست؟

واقعیت را می گویم. من اگر الان هم آقای دادکان را ببینم از او خواهش می کنم که از حق خودش بگذرد. چون اگر ایشان پیگیری کند ما به یک وضعیت بدی می‌رسیم. از طرف دیگر امیدوارم هر چه سریع‌تر انتخابات برگزار شود و صورت‌جلسه ما زود به فیفا برود که اگر پرونده ما به کمیته حقوقی فیفا برود، احتمال دارد که برای ما دردسر ایجاد کند.

■ اما به هر حال حتی اگر انتخابات هم برگزار شود، باید یک دلیلی برای تغییر آقای دادکان داشته باشیم. یا باید استعفای آقای دادکان وجود داشته باشد که فعلاً وجود ندارد و یا بحث عزل پیش می‌آید که باز هم به مشکل بر می‌خوریم. یعنی شرایط خیلی پیچیده است.

چون در انتخابات یک نفر انتخاب شده، فیفا می‌پذیرد به شرطی که تا آن موقع آقای دادکان از حقش بگذرد؛ استعفا بدهد. چون احتمال دارد آنها بیایند رسیدگی کنند و انتخابات ما را زیر سئوال ببرند. من مطمئنم آقای دادکان هم راضی نمی‌شود که به نظام فوتبال ما آسیب برسد.

■ البته این عزل به گوش سپ‌بلاتر هم رسیده و دقیقاً در بازی ایران- آنگولا دادکان کنار سپ‌بلاتر نشسته بود و حتی به دادکان گفته ما این همه جلوی حرف اروپایی‌ها ایستادیم و نگذاشتیم شما را از جام‌جهانی محروم کنند، اما مثل اینکه داخل کشورتان قوی‌تر از اروپایی‌ها هستند و شما را برکنار کردند.

به هر حال در این‌جور مسائل لابی‌ها و مذاکرات موثر است و یکی از نکات مثبت آقای مصطفوی این است که در مذاکرات آدم موثری است و کار را پیش می‌برد.

■ اصلاً تعریف سیستم نظارتی سازمان چیست و نظارت چه حد و حدودی دارد؟

ببینید فدراسیون‌ها در درونشان یک مرجع اداره‌کننده دارند، اما اینها مرزهایی دارند با سازمان. مثلاً فرض کنید کمیته مربیان می‌خواهد برای تیم ملی مربی انتخاب کند. اینجا باید فدراسیون سه نفر را معرفی کند تا رئیس سازمان یکی را انتخاب کند و یا نظر مثبت رئیس سازمان را در مورد یک نفر جلب کند. یا مثلاً شما می‌خواهید بازی تدارکاتی داشته باشید. شورای برون‌مرزی باید مجوز خروج بدهد وگرنه شما نمی‌توانید از کشور خارج شوید. همه اینها در آیین‌نامه‌ها دیده شده و من فکر می کنم اگر به آیین‌نامه‌ها عمل می‌شد، به مشکل برنمی‌خوردیم. فرض کنید اختلاف رئیس سازمان و رئیس فدراسیون ما به‌خاطر مربی بوده اما ما آیین‌نامه داریم که شما باید تاییدیه رئیس سازمان را داشته باشید.

■ که آن هم بوده؟

بله، زمان آقای مهرعلیزاده این تاییدیه گرفته شده.

■ و قرارداد برانکو اصلاً در سازمان بسته شد؟

بله، تازه اگر اختلافی به‌وجود آمد ما مرجع بالاتر داریم؛ شورای ورزشی وجود دارد که رئیس‌جمهور رئیس آن است. من خودم یادم هست که خودم هم توبیخ شدم. اختلافی بر سر مربی به‌وجود آمده بود که آقای هاشمی‌طبا به رئیس‌جمهور نامه نوشت و رئیس‌جمهور هم دقیقاً حرف صفایی فراهانی را قبول کرد و جواب داد که در فوتبال هیچ دخالتی نکنید و حتی من را هم توبیخ کردند که معاون سازمان چرا علیه فدراسیون حرف زده. چون که من می گفتم فدراسیون فراسازمانی اداره می‌شود.

■ مسائل مالی چطور؟

روی آن پولی که از سوی سازمان برنامه و بودجه به فدراسیون اختصاص می‌یابد، دقیقاً نظارت وجود دارد و ذی‌حساب سازمان دقیقاً به اندازه پولی که می‌دهد، مسئولیت کنترل دارد.

■ در مورد بقیه درآمدها مثل تبلیغات چی؟

نه، اینها مربوط به خود فدراسیون است. ولی دخل و خرج فدراسیون مشخص است و مطمئن باشید قبل از اینکه پولی به فدراسیون بیاید، چاله‌اش کنده شده.